

ترس «مرجانه گلچین» از آینده برای چیست؟

گفت و گو با با مرجانه گلچین بازیگر طنز سینما و تلویزیون را بخوانید.

به گزارش سایت خبری پرسون، مرجانه گلچین چهره شناخته شده سینما و تلویزیون که بیشتر او را با مجموعه های طنز تلویزیونی می شناسیم یکی از معدود بازیگران جوان دهه ۶۰ سینماست که خاطرات خوشی را در ذهن مخاطب آن سال ها به یادگار گذاشته است. با او که در برخی آثار سینمایی و تلویزیونی با رضا رویگری همبازی بوده است درباره شرایط این روزهای این هنرمند و ویدئویی که از حال و هوای او منتشر شده گپ و گفتی انجام داده ایم که در ادامه می خوانید.

شما به عنوان یکی از ستاره های زن سینمای دهه ۶۰ در کنار آقای رویگری که جوان اول سینمای آن سال ها بودند در برخی فیلم ها و سریال ها همبازی بوده اید. یکی از ماندگارترین آنها «شب بیست و نهم» کاری از زنده یاد حمید رخشانی بوده است که از معدود آثار قابل توجه ژانر وحشت سینمای ایران به شمار می آید. از حال و هوای آن روزها و همکاری با رضا رویگری برایمان بگویید؟

من با آقای رویگری در ۴ پروژه همکاری داشتم. دو فیلم سینمایی «شب بیست و نهم» و «رانده شده». مجموعه تلویزیونی دارا و ندار مسعود ده نمکی (۱۳۸۹) و سریال شاه گوش ساخته داوود میرباقری (۱۳۹۲). شب بیست و نهم اولین پیشنهاد سینمایی من بلافاصله بعد سریال پرمخاطب آینه بود که در آن نقش اصلی دارم اما آقای رویگری هم به لحاظ سنی از من بزرگ تر بودند و هم به عنوان ستاره مرد آن سال ها با چهره و بازی قابل توجه در اوج شکوفایی و شهرت بودند. نقش من در آن فیلم که ۱۸ سال بیشتر نداشتم بسیار سخت و پیچیده بود. به خاطر دارم که آقای رویگری طوری باز می کردند که برای نقش مقابلشان بسیار کمک کننده بود. او از هیچ چیز دریغ نمی کرد. در واقع من با کمک آقای رویگری و حسین گیل توانستم از پس نقش دشواری که به عهده داشتم برآیم و همچنان که به آن فکر می کنم لحظات بسیار خوبی را در «شب و بیست و نهم» به یاد می آورم.

با توجه به اینکه این فیلم در زمان خودش بسیار مورد توجه قرار گرفت پیشنهاد فیلم سینمایی «رانده شده» را با هم داشتید؟

بله. بعد موفقیت این فیلم پیشنهاد فیلم سینمایی «رانده شده» کاری از جهانگیر در ۱۳۶۸ داشتم که آن هم تجربه فراموش نشدنی بود. بعد از این دو فیلم وقفه طولانی در فعالیت های بازیگری من افتاد. همکاری دوباره من بعد سال ها با ایشان برای سریال نوروزی دارا و ندار آقای ده نمکی بود. آقای رویگری در سریال دارا و ندار نقش مردی را بازی می کرد که بسیار تحت فرمان همسرش بود و از او می ترسید. شاهگوش سریال دیگری بود که بعد از دارا و ندار با رضا رویگری حضور داشتیم. که هر دو برایم لذت بخش و شیرین بود.

با توجه به همکاری چندباره ای که تا قبل از بیماری و سکتة با او داشتید به نظرتان سبک زندگی آقای رویگری چطور بود؟

اتفاقا در سریال شاهگوش به خاطر دارم که چقدر برای همه ما از تغذیه سالم و ورزش را صحبت می کرد. رضا رویگری سبک زندگی مناسبی داشت پیاده روی می کرد خواب و تغذیه به موقعی داشت تا جایی که سر صحنه فیلمبرداری از خانه غذا می آورد و سعی می کرد هر غذایی را نخورد. نکته غم انگیز برای من این بود که دقیقا در زمان فیلمبرداری سریال شاهگوش که او هم باشگاه می رفت هم به سلامتی خود اهمیت می داد سکتة کرد و باعث تاسف و تأثر همه ما شد.

نکته یا اتفاقی بوده است در رابطه همکاری شما که برای آن تاسف بخورید یا غمگین باشید؟

به خاطر دارم فیلمی را برای مراسم بزرگداشت خودشان از من خواستند که من برایشان ارسال کردم اما متأسفانه نتوانستم در آن مراسم حضور داشته باشم که گلایه مند شده بود. بزرگداشت او دقیقا مصادف شده بود و با فوت مادرم و بسیار متأسفام که نتوانستم در آن مراسم حضور داشته باشم.

شما هم به هر حال سال ها با بیماری مادر خود مشکلاتی مشابه آقای رویگری داشته اید با دیدن این ویدئو چه احساسی داشتید؟

دیدن این ویدئوها برای امثال من که در این حرفه هستم بسیار ترسناک و نگران کننده است. به هر حال در حالت طبیعی و نرمال یک هنرمند وقتی بازنشسته می شود باید حداقلی از آرامش و رفاه را در زندگی داشته باشد تا با آسودگی خیال روزگار سپری کند و بدون نیاز به کار و فعالیت بتواند از دسترنج سال ها تلاش و زحمت خود استفاده کند اما در شرایطی که ما داریم دغدغه های هنرمندی در اندازه های آقای رویگری تازه آغاز می شود و این موضوع بسیار غم انگیز و تاسف بار است.

من سال ها با بیماری مادرم و شرایط سخت نگهداری از او دست و پنجه نرم کردم و هیچ نهاد و سازمانی در سینما مرا همراهی نکرد. نه هزینه های سنگین مراقبت از بیمار، درمان و دارو و نه حتی برای معرفی پرستار کاربلد و آشنا به این امور. به همین دلیل هم اکنون با عواقب و عوارض کمر درد و بیماری های دیگری روبرو شدم. من کاملا درک می کنم که خانم تارا کریمی همسر آقای رویگری چه دشواری هایی را تحمل کردند. به هر حال آقای رویگری در شرایطی هستند که قادر به راه رفتن یا انجام ساده ترین کارهای شخصی خود نیستند و همه این شرایط بسیار سخت و غیرقابل تحمل

است.هیچ کس را نباید در شرایط نگهداری بیمار قضاوت کرد. این بی رحمانه ترین واکنشی است که می توان نسبت به نزدیکان بیمار داشت.

دیدن این فیلم ها بیشتر باید تلنگری باشد برای مسئولان. مدیرانی که وظیفه ای جز این برنامه ریزی ها ندارند. به هر حال این قشر هنرمند که همه برای آنها سوت و کف و هورا می کشند به مرور به میانسالی و پیری و کهنسالی می رسند و دوران بازنشستگی و از کارافتادگی آنها فرا می رسد و نیاز به رسیدگی و رفاه نسبی دارند. از همین حالا باید برای آنها برنامه ریزی کنند و اجازه ندهند آنها به روزگاری شبیه شرایطی که این هنرمند بزرگوار رسیده اند برسند.

بله به نظر می رسد باید برنامه ریزی بلند مدتی برای این دوران از عمر هنرمندان انجام شود که تا کنون نشده است. شاید با تصور درآمدهای بالای سینماگران، رسیدگی به زندگی این قشر در اولویت مسئولان نیست؟

شما می دانید که اصلا این طور نیست. ما چقدر و چطور باید بگوییم ما بازیگران مشکلات معیشتی داریم. چطور بگوییم که ما تا زمانی که پروژه ای در دست داشته باشیم می توانیم روی درآمد آن حساب کنیم. اگر یک سال کاری نداشته باشیم در عمل نابود شده ایم و شاید نتوانیم از پس هزینه های سرسام آور زندگی برآییم. من آرزوی سلامتی و بازگشت به روزهای اوج برای آقای رویگری دارم و امیدوارم همه این وعده ها برای خرید آپارتمان و ...در حد همان وعده و وعید باقی نماند و اقدامی عملی انجام شود.

به هر حال من از دیدن ویدئوی دوم که عده ای جمع شده اند و به او قول آپارتمان و پرستار می دهند بیشتر ناراحت و متاسف شدم چون جنبه های تبلیغاتی آن انسان را آزار می دهد. مگر می شود در فضای محدود سینما کسی از کسی خبر نداشته باشد. چرا به محض واپس شدن یک فیلم عده ای می خواهند شوی تبلیغاتی برگزار کنند. خوشبختانه صدای این هنرمند به گوش همه ما رسید و دیر نشد. چه بسا افرادی که صدای آنها را هیچ کس نمی شوند و در همین شرایط از دست می روند.

منبع: همشهری آنلاین